



درس هفتم

سوره مائده: آیات (۱۱۶ - ۱۲۰)

درس هفتم

سوره مائده: آیات (۱۱۶ - ۱۲۰)

! نکات مهم آیات:

۱. خداوند به صورت «استفهام انکاری» از حضرت عیسی ع می پرسد: آیا تو به مردم گفته بودی که تو و مادرت را معبود قرار دهند؟!

۲. عیسی ع در پاسخ خداوند می فرماید: الف. سبحانک؛ یعنی اصلاً چنین چیزی امکان ندارد و تو خود، همه چیز را می دانی. ب. چنین سخنی از جانب من که پیامبر هستم شایسته و معقول نیست. ج. نه تنها مردم را به عبادت خود دعوت نکرده ام، بلکه آن-ها را به عبارت پروردگارشان دعوت کرده ام؛

۳. روز قیامت، روز پاداش واقعی برای «صداقت صادقان» است؛

۴. نیکوکاران صادق، در دو درجه به پاداش الهی می رسند: ۱. مادی، ۲. رضوان الهی؛
۵. مقام «فوز عظیم» در بهشت آن است که خدا از آن‌ها راضی و آن‌ها هم از خداوند راضی هستند؛

۶. معبود واقعی کسی است که مالک آسمان‌ها و زمین است، نه عیسی و حضرت مریم □ که دو مخلوق خدا هستند.

لغات درس هفتم

اتَّخِذُونِي:	بگیرید مرا، اختیار	تُعَذِّبُهُمْ:	عذاب‌شان کنی
إِلَهِينَ:	دو خدا	تَغْفِر:	بخشایی
لِي:	برای من	كُنْتُ:	بودم من
عِلْمَتُهُ:	دانستی آن را	مَا دُمْتُ:	تا هنگامی که بودم
تَوْفِئْتَنِي:	روح مرا گرفتی	الرَّقِيبَ:	نگهبان

❑ آیه ۱۱۶: وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

ترجمه: و [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفתי من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند پرستید؟ گفت: منزهی تو! مرا نزید که [در باره خویشتن] چیزی را که حق من نیست بگویم؛ اگر آن را گفته بودم قطعاً آن را می دانستی؛ آنچه در نفس من است تو می - دانی و آنچه در ذات توست من نمی دانم، چرا که تو خود دانای رازهای نهانی.

تفسیر:

این آیه، مشخصاً به دنبال تذکر غرضی است که سوره مائده در پی تحقق آن است و آن غرض

عبارت است از: حقی که خداوند برگردن بندگانش دارد و آن حق، «وفای به عهدی است که همگان با خدا بسته‌اند مبنی بر بندگی خدا».^۱

این جمله اگرچه سؤالی است ولی به منظور تهدید مسیحیانی است که مدعی خدایی عیسی و مریم □ هستند. چنین بیانی در حقیقت به منظور نشان دادن زشتی ادعای کسانی است که گمراه شده، عیسی و مادرش را خدا پنداشتند.^۲

۱. المیزان، ج ۶، ص ۳۴۷.
 ۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۶.

❖ آیه ۱۱۷: مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا
 اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ
 فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

ترجمه: جز آنچه مرا بدان فرمان دادی [چیزی] به
 آنان نگفتم؛ [گفته ام] که خدا پروردگار من و
 پروردگار خود را عبادت کنید، و تا وقتی در میان-
 شان بودم بر آنان گواه بودم، پس چون روح مرا
 گرفتی تو خود بر آنان نگهبان بودی و تو بر هر چیز
 گواهی.

تفسیر:

این آیه شریفه ادامه جواب حضرت عیسی ع به خداوند است در خصوص مسئله «الوهیت عیسی و مادرش». عیسی ع می‌فرماید: من جز آنچه تو مرا بدان فرمان داده بودی به آنها نگفتم؛ یعنی نه تنها مردم را به شرک دعوت نکردم بلکه آنها را به سوی توحید فراخواندم و به فرمان تو به آنها گفتم خدا را عبادت کنید، چون او، ربّ و پروردگار من و رب شماست.^۳

وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ : آنگاه
حضرت برای دعوت خود «ضمانت اجرایی» معرفی

می کند و می فرماید: تا زمانی که در میان شان بودم، مراقب و گواه آنها بودم و نگذاشتم راه شرک را در پیش گیرند و زمانی هم که مرا از میان آنها برگرفتی، تو خود مراقب و نگاهبان آنها بودی که [البته نه تنها مراقب آنها بلکه مراقب و گواه بر تمام عالم هستی، می باشی].^۴

اشکالی نیست در اینکه تنها خدای سبحان «شاهد و شاهد» است و بس و منافاتی با شهادت دیگران از آن جمله پیامبران، ندارد؛ زیرا حقیقت شهادت از آن خداوند است، چنان که حقیقت هر کمالی از آن اوست.^۵

۴. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۵.

۵. المیزان، ج ۶، ص ۳۵۷.

❖ آیه ۱۱۸: إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ترجمه: اگر عذابشان کنی آنان بندگان تو اند و اگر برایشان ببخشایی تو خود توانا و حکیمی.

تفسیر:

حضرت عیسی ع با جواب‌های پیشین خود روشن کرد که در باره شرکی که مسیحیان به آن گرفتار شدند، مسئولیتی ندارد و او تنها وظیفه‌اش، «ادای رسالت» و «اقامه شهادت» است، از این رو در این آیه

به خدای سبحان عرض می‌کند: اگر آنان را عذاب کنی، [بر تو ایرادی نیست، زیرا] آن‌ها بندگان تواند و قادر به فرار نیستند و چنانکه آن‌ها را بیامرزی، تو عزیز و حکیمی و در هر حال، بر فعل تو هیچ اعتراضی نیست؛ نه بخشش تو نشانه ضعف است و نه مجازات تو خالی از حکمت و حساب^۶. بنابراین، «عزت و حکمت الهی» مجالی را برای هیچ‌گونه اعتراضی خالی نمی‌گذارند.^۷

۶. تسنیم، ج ۲۴، ص ۳۰۰.

۷. المیزان، ج ۶، ص ۳۵۹.

❖ آیه ۱۱۹: قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ
لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ

ترجمه: خدا فرمود: این روزی است که راستگویان
را راستی‌شان سود بخشد؛ برای آنان باغ‌هایی است
که از زیر [درختان] آن نهرها روان است؛ همیشه در
آن جاودانند؛ خدا از آنان خشنود است و آنان [نیز]
از او خشنودند؛ این است رستگاری بزرگ.

تفسیر:

پس از آنکه حضرت عیسی ع عنایت الهی را در
باره تبه‌کاران و مشرکان بیان کرد، خدا در این آیه

درباره پاداش صادقان می فرماید: قیامت روزی است که «صداقت صادقان» به آنها سود می بخشد؛ همان صداقتی که در دنیا به خرج داده اند.^۸ یاد آور می شود که «صدق و کذب» تنها به گفتار اختصاص ندارد، بلکه عقیده، اخلاق و رفتار انسان را نیز فرا می گیرد.^۹

لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ : جزا و پاداش الهی برای صادقان دو قسم است: ۱. لذت های جسمانی و حسی، مانند بهره مندی از باغ های بهشت؛ ۲. مقام رضوان الهی. اما چه کسانی به «مقام رضوان

۸. المیزان، ج ۶، ص ۳۵۹.

۹. تسنیم، ج ۲۴، ص ۳۰۸.

الهی» راه می‌یابند که البته مقامی بس والا مرتبه است؟ ادامه آیه شریفه بیانگر پاسخ است و آن اینکه: آنانی به این مقام می‌رسند که نه تنها «اخلاق و رفتارشان» بلکه «گوهر ذات‌شان» مورد رضایت خداوند باشد و به عبارتی، به مقام رضایت رسیده باشند.^{۱۰} خداوند از کردار آنان راضی است و آنان از پاداش خدا راضی هستند.^{۱۱}

ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ : این است رستگاری بزرگ که برایش پاداش الهی نصیب آنان می‌شود.^{۱۲} «فوز عظیم» دارای مدارجی است که با هم متفاوت‌اند.

۱۰. تسنیم، ج ۲۴، ص ۳۰۸.
 ۱۱. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۵۲.
 ۱۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۵۲.

عالی‌ترین درجه «فوز عظیم»، جمع میان «منزل بهشت مادی» و «منزل رضوان الهی» است؛^{۱۳} هر چند از همان ابتدا می‌توانیم، «فوز عظیم» را مقام جامع پاداش مادی و معنوی بدانیم.^{۱۴}

❖ آیه ۱۲۰: لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ترجمه: فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست و او بر هر چیزی تواناست.

۱۳. تسنیم، ج ۲۴، ص ۳۰۸.

۱۴. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۹.

تفسیر:

خدای سبحان فرمانروای مطلق است که سلطنتش آسمان‌ها و زمین و آنچه را در آنهاست فراگرفته است. از اطلاق و بی حد و مرز بودن این فرمانروایی، قدرت مطلق و بی‌کران او بر همه چیز است. به جهت همین سلطنت و قدرت مطلق، فقط او شایستگی الوهیت و پرستش دارد و تنها اوست که می‌تواند وعده بهشت را محقق سازد؛^{۱۵} زیرا بهشت، دوزخ، آسمان‌ها، زمین و هر آنچه که ممکن الوجود باشد، خداوند بر آنها توانا و قادر است.^{۱۶}

۱۵. تسنیم، ج ۲۴، ص ۳۲۲.
 ۱۶. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۵۲.

حسن ختام این آیه می‌تواند گوشزدی برای آنانی باشد که حضرت مریم \square را پرستش می‌کنند به این معنا که: «عبادت تنها شایسته کسی است که بر سراسر عالم آفرینش حکومت کند، نه برای مریم که مخلوقی بیش نبود».^{۱۷}

سرانجام با این آیه، سوره مائده به اتمام می‌رسد که دلالت بر «مطلق بودن حاکمیت الهی» دارد. مناسبت این آیه با غرض سوره مائده آشکار است؛ زیرا این سوره قصد داشت بندگان را متوجه وفای به عهده‌ی که با خدا داشتند ساخته و به عبادت او رهنمون شود. پس برای بندگان چیزی باقی نمانده مگر

«مملو کیت علی الاطلاق» و شنوایی و اطاعت محض از مالک مطلق و خودداری از شکستن پیمانی که مالک از آن‌ها گرفته است.^{۱۸}

سؤال و جواب^{۱۹}

۱. سؤال: قرآن سخن از «پرستش مریم» به میان آورده؛ آیا در تاریخ مسیحیان هیچ دیده شده که حضرت مریم □ را «معبود خود» قرار دهند؟ این در حالی است که مسیحیان معتقد به سه خدا هستند: ۱. خدای پدر؛ ۲. خدای پسر؛ ۳. روح القدس. بنابراین سخنی از حضرت مریم □ در میان نیست؟

۱۸. المیزان، ج ۶، ص ۳۶۲.

۱۹. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۶، ۱۳۷.

جواب: درست است که مسیحیان، مریم □ را خدا نمی‌دانند ولی در برابر مجسمه‌اش مراسم عبادت انجام می‌دهند، همان‌طور که بت پرستان هم در برابر بت‌ها عبادت می‌کردند ولی آن‌ها را خدا نمی‌دانستند و بت‌ها را در کنار خدا، عبادت می‌کردند و آن‌ها را واسطه خدا و خلق می‌دانستند). پس فرق است میان «الله» و «اله = معبود». به تعبیر یکی از مفسران، مسیحیان گرچه مریم □ را معبود نمی‌خوانند ولی او را «مادر خداوند» دانسته و در عمل عبادت می‌کنند.

۲. سؤال: چرا حضرت عیسی ع ، مشرکان امت خود را شفاعت می‌کند با این عبارت: اگر آن‌ها را

بخشی تو عزیز و حکیمی. مگر مشرک قابل شفاعت و بخشش است؟

جواب: هدف عیسی ع سلب هرگونه اختیار از خود و واگذار کردن امر به اختیار پروردگار است، یعنی کار به دست تو است، اگر بخواهی می‌بخشی و اگر نخواهی مجازات می‌کنی. دلیل این ادعا این است که اگر عیسی ع قصد شفاعت داشت از عبادت «إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» بهره می‌گرفت؛ زیرا «غفور و رحیم بودن خدا» متناسب با مقام شفاعت است. شاید هم حضرت قصد شفاعت از «مشرکان توبه‌کار» را داشته که ایراد ندارد.

این آیات گفتگوی خدای تعالی را با عیسی بن مریم ع درباره آنچه که نصارا در حق وی گفته‌اند حکایت می‌کند، و گویا غرض از نظم و نسق این آیات بیان اعترافاتی است که عیسی ع به زبان خود نموده و وضع زندگی دنیوی خود را حکایت کرده و این که حق او را نبوده درباره خود ادعایی کند که حقیقت ندارد؛ چه او در برابر چشم خدا بوده، چشمی که نه خواب دارد نه کم دید می‌شود، و اینکه او ذره‌ای از آنچه خدا برایش تحدید و معین نموده تجاوز نکرده است؛ چیزی جز آنچه مأمور به گفتنش بوده نگفته و کاری جز آنچه خدا مأمور به

انجامش نموده نکرده است و آن کار همان شهادت است.

خدا نیز او را در این اعترافات و در آنچه که درباره حق ربوبیت خدا و عبودیت بندگان ذکر نموده تصدیق فرموده است. به این بیان آیات مورد بحث منطبق می شود بر غرضی که به سبب آن این سوره نازل شده است و آن غرض عبارت است از بیان حقی که خدا برای خود به گردن بندگان قرار داده و آن وفای به عهدی است که با خدای خود بسته اند و این که نباید آن عهد را بشکنند، یعنی نباید از روی لاقیدی و بی بندوباری شانه از زیر بار تکالیف تهی سازند و هرچه بخواهند بکنند و هر جا بخواهند

آزادانه بچرند؛ چنین حقی از طرف خدای تعالی به آنان داده نشده و خودشان نیز قادر به رسیدن به این آرزو نیستند. این است آن غرضی که این سوره از اول تا به آخر آن را بیان می‌کند.^{۲۰}